مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ٤، پاییز زمستان ۱۳۹۹، شمارهٔ پیاپی ۲۳

Doi: 10.22067/jlkd.2021.48685.0

معرفی شیوه های تحلیل یادداشتهای خودکشی و بررسی موردی چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی

اعظم استاجی (دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ۲۰۲-۱۷۷

چکیده:

یادداشت خودکشی عبارت از هر نوع متنی است که فرد قبل از خودکشی یا قبل از اقدام به خودکشی از خود به جای می گذارد. این متون از سوی زبانشناسان، روانشناسان، حقوقدانان و ... از وجوه مختلف مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا به درک بهتری از پدیده خودکشی کمک کنند. بخش اول این مقاله به مرور شیوه های مختلف تحلیل این یادداشتها و راههای متمایز کردن متون واقعی از جعلی می‌پردازد. در ادامه براساس شیوه تحلیل پراکفیوا (۲۰۱۳) چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی به صورت کیفی تحلیل می‌شود. پراکفیوا بیان می‌دارد در یادداشت های خودکشی واقعی به طورمستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخی به این سوال است که چرا خودکشی اتفاق افتاده است. بعلاوه واپسین احساسات قبل از خودکشی نیز در یادداشتها بیان شده است. از سوی دیگر در یادداشت های خودکشی ساختار روشن و مشخصی که شامل اجزاء زیر است، دیده می‌شود: الف- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص) ب- مقدمه (بیان دلیل خودکشی) ج- اوج/ بدنه (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی) د- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین). تحلیل نمونه یادداشتهای کوتاه فارسی نشان می دهد هرچند یادداشتها خیلی کوتاهند و بین ۵ تا ۱۸ واژه طول دارند، بازهم با صراحت علت خودکشی و اخرین احساسات نویسنده را بیان کرده اند (یادداشت اول بیانگر حس خشم و سرزنش، یادداشت دوم بیانگر حس آسودگی و

تاریخ دریافت : ۱۳۹۹/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

پست الکترونیکی: ۱. estajiz@yahoo.com

بخشش، یادداشت چهارم بیانگر تنفر و خشم است). از نظر وجود اجزاء چهارگانه تنها بخشی که در یادداشت اول دیده می شود بخش مقدمه یا بیان دلیل خودکشی است که با توجه به کوتاه بودن متن نمی توان انتظار داشت دیگر اجزاء نیز حاضر باشند. در یادداشتهای دوم تا چهارم سه جزء از چهار جزء دیده می شوند. مولفه ای که در هر چهار یادداشت حاضر است ذکر دلیل خودکشی است. در پایان، بر ضرورت ایجاد پیکره ای از یادداشتهای خودکشی در ایران برای هر نوع مطالعه ای در این زمینه تاکید می‌شود.

کلید واژه ها: یادداشت خودکشی، تحلیل محتوی، تحلیل کیفی، دلیل خودکشی

۱– مقدمه

بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۲، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است سالانه ۸۰۰ هزار نفر در سراسر دنیا خودکشی می‌کنند. این رقم هم اکنون به یک میلیون نفر رسیده است .بر اساس آمار پزشکی قانونی آمار خودکشی در ایران سالانه پنج هزار نفر است.تمام گروه‌های سنی هنگام خودکشی بین ۱۰٪ تا ۴۳٪ موارد یادداشتی از خود به جا می‌گذارند.این یادداشت‌ها از بعد حقوقی، جامعه شناختی و روانشناختی (جهت پیش بینی و مداخله و همچنین کمک به التیام بازماندگان از طریق درک علت خودکشی و پذیرش آن از سوی بازماندگان) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از بعد زبانشناسی حقوقی این یادداشتها به عنوان متن مشکوک مورد توجه قرار گرفته اند. لازم به توضیح است که متون مشکوک[1]متونی هستند که به عنوان سند و مدرک در تحقیقات قانونی از جنبه های مختلفی مورد تحلیل قرار می گیرند. این متون می توانند به شکل یک نامه مکتوب یا یک متن الکترونیکی باشند یا به صورت گفتاری (مثلاً در قالب یک پیام ضبط شده) تجلی یابند.

متون مشکوک را می توان به انواع مختلفی تقسیم کرد و ویژگیهای بارز هر دسته را مشخص ساخت. در بررسی متون مشکوک چند سؤال عمده مطرح می شود: نویسنده متن کیست؟ هر نوع متن چه ویژگیهای شاخصی دارد وآیا با تکیه بر این ویژگیهای شاخص می‌توان گفت یک متن ساختگی است یا اصلی؟ آیا بخشهایی از متن دستکاری شده است یا خیر؟

۱. اصطلاح "متون مشکوک" در برابر ترکیب forensic texts به کار رفته است.

در این مقاله به طور خاص به بررسی یادداشتهای خودکشـی بـه عنـوان مـتن مشـکوک مـی پردازیم. با توجه به این که در پرونـدەهـای خودکشـی احتمـال قتـل نیـز وجـود دارد، تحلیـل یادداشتهای خودکشی و تشخیص نویسنده ی آن از اهمیت ویژهای برخوردار است.

در ادامه پس از مروری بر پیشینه تحقیقات صورت گرفته در مـورد یادداشـتهای خودکشـی، به ارائه دو نمونه در زبان فارسی و تحلیل ابعاد زبانی آنها میپردازیم.

۲- مروری بر پیشینه پژوهش

دورکیم خودکشی را چنین تعریف کرده است: "اصطلاح خودکشی به مرگهایی اطلاق مـی- شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از عمل مثبت یا منفی فردی است که میدانـد انجـام این عمل منجر به مرگ وی میشود." خودکشی اقدامی پرخاشگرانه است کـه ناشـی از ناکـامی میباشد. به عبارت دیگر خودکشی به عنوان نتیجه نهایی پرخاشگری است که از درون بـر ضـد خود جهتگیری شده است. رُز علل اقدام به خودکشی را اخـتلالات روانپزشـکی (افسـردگی، اعتیاد)، مسائل اجتماعی و ابعاد فیزیکی یا فیزیولوژیکی مـیدانـد. عـواملی چـون جـنس، سـن، مذهب، وضعیت تأهل، شغل، نژاد، شرایط اقلیمی و شـرایط جسـمی و روانـی نیـز بـر بـروز و شیوع خودکشی مؤثر است (مرادی و خادمی، ۱۳۸۱).

مرادی و خادمی (همان) به بررسی وضعیت خودکشیهای منجر به مرگ در ایران و مقایسـه آن با نرخهای جهانی پرداختهاند. بـه بیـان آنهـا در بسـیاری از کشـورها میـزان مـرگ ناشـی از خودکشی به مراتب بیشتر از مرگ ناشی از تصادفات است. در سال ۱۳۸۰ میزان مـرگ ناشـی از خودکشی۵/۷ به ازای هر ۱۰۰ هزار مرد و ۳/۱ به ازای هر ۱۰۰ هزار زن بوده اسـت.این رقـم در سال ۲۰۱۲ بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی به ۵/۲ رسیده است. امـا طبـق محاسـبات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱ این رقم۳/۳ است. هر چند میزان خودکشی در مـردان و زنـان در ایران از اکثر کشورهای دنیا به ویژه جوامع غربی پایینتر است امـا در منطقـه خاورمیانـه در رده بالایی قرار گرفته است. علاوه بر این، در سایر کشورها میزان خودکشی در سـنین بـالای هفتـاد سال بیشتر است،در حالی که در ایران میانگین سنی افرادی که خودکشی یا اقـدام بـه خودکشـی می کنند کمتر از سی سال است (به نقل از ایسنا).

البته باید توجه داشت که با توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و مـذهبی ایـران ایـن آمارهـا در بیشتر موارد از حد واقعی کمتر است.

همان طور که ذکر شد، درصد کمی از کسانی که دست به خودکشی مـی زننـد یادداشـتی از خود به جای می‌گذارند. این یادداشتها از سوی روانشناسان، مراجع قضایی (برای تشخیص قتـل از خودکشی) و زبانشناسان مورد تحلیلهای زیادی قرار گرفته اند. تحلیل یادداشـتهای خودکشـی معمولاً دو هدف عمده را دنبال می‌کند: ۱) تعیین نویسنده یادداشت جهت تشـخیص واقعـی یـا ساختگی بودن آن. ۲) در مواردی که نویسنده ی متن شـناخته شـده اسـت، بـه ویـژه در مـورد کسانی که تنها اقدام به خودکشی کرده‌اند با تحلیل محتوای این متون تلاش می‌شود میزان خطـر اقدام به خودکشی دوباره بـرآورد شـود. ایـن گونـه تحلیلهـا بیشـتر توسـط روانشناسـان انجـام می‌گیرند. علاوه بر اینها، با تحلیل محتوای خاطرات روزانه افرادی که خودکشی کـرده‌انـد مـی توان دریافت چگونه هر چه زمان خودکشی نزدیکتر می‌گردد الگوهای زبانی تغییر مـی‌کننـد. در این بررسیها می‌توان نشان داد چگونه الگوهای زبانی، فرآیندهای روانی دخیـل در خودکشـی را منعکس می‌کنند.

در این قسمت به مرور پژوهشهایی می پردازیم که بیشتر به بررسـی ابعـاد زبـانی یادداشـتها توجه داشته اند. اشنایدمن[۲] در اواخر دهه ٤٠ مجموعه ای از یاددشـتهای خودکشـی را گـرداوری کرده بود که مبنای بسیاری از تحقیقات بعدی شد. اشنایدمن و فاربرو[۳] (۱۹۵۷) اثـری اسـت کـه بسیار به ان ارجاع داده می شود. در این اثـر ۳۳ یادداشـت واقعـی و ۳۳ یادداشـت سـاختگی بـا یکدیگر مقایسه شده اند. (این ٦٦ یادداشت در پژوهشها ی بعدی بسیار مـورد اسـتفاده قـرا مـی گیرند.) تحلیل این یادداشتها مبتنی بر مقایسه واحدهای فکری ای بود که (مستقل از تعـداد واژه ها) در متن ظاهر می شد و در واقع نوعی تحلیل گفتمان بود. این واحدها از این نظر کـه بیـانگر ناراحتی، آسودگی یا هیچ یک (خنثی) بودند دسته بندی می شـدند.نتایج تحلیـل آنهـا نشـان داد یادداشتهای واقعی واحدهای فکری بیشتری داشتند و مقوله ناراحتی در انها شدیدتر بود.

ازگود و واکر[٤] (۱۹۵۹) تحلیل یادداشـتها را بـا چهـار فرضـیه شـروع کردنـد: ۱- یادداشـتهای خودکشی ساختاری کلیشه ای دارند. ۲- مقـولات انتقـاد، تقاضـا و درخواسـت در انهـا بسـامد بیشتری دارند. ۳- واژه های متناقض بیشتری دارند. ٤ - ساختار در هم ریخته ای دارنـد. نتـایج تحلیل آنها سه فرضیه اول را تایید و فرضیه آخر را رد کرد.

---

۲ Shneidman

۳ Farberow

٤ Osgood & Walker

علاوه بر اینها از برنامه های کامپیوتری نیز برای تحلیل یادداشتها استفاده شده است. اولین تلاش در این زمینه در سال ١٩٦٦ صورت گرفت که با استفاده از نرم افزار و رجوع به یک واژه نامه روانشناختی- جامعه شناختی ٦٦ یادداشت مذکور مورد تحلیل محتوی قرار گرفت. این تحلیل در واقع نوعی برچسب زنی معنایی بود (به نقل از شاپرو[۵] ۲۰۱۱).

در ادامه این شیوه ی تحلیل، پستین[۶]و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند الگوریتم های یادگیری ماشین با دقت ۷۸٪ قادر به تشخیص یادداشتهای واقعی از ساختگی بودند.

از سوی دیگر با تکیه بر نظریه های روانشناسی ای که در مورد خودکشی ارائه شده است، تحلیل زبانی متون خودکشی صورت گرفته است تا چگونگی تحقق زبانی مقولات روانشناسی در آنها بررسی شود. یکی از مهمترین نظریه های روانشناسی که در مورد خودکشی ارائه شده است نظریه بینافردی خودکشی[۷]جوینر (۲۰۰۵) است.جوینز در نظریه بینافردی خودکشی (ITS) سه سازه اصلی را برای توضیح رفتار خودکشی شناسایی می‌کند. بر اساس این مدل تمایل به پایان دادن زندگی خود به وجود دو عامل بینافردی بستگی دارد: احساس سربار بودن و احساس عدم تعلق به هیچ گروهی. تعامل این دو عامل با عامل سوم، یعنی توانایی اکتسابی انجام خودکشی، شخص را در معرض خطر اقدام به خودکشی قرار می‌دهد. اگر این نظریه را بخواهیم بیشتر بسط دهیم احساس سربار بودن شامل دو معیار می‌گردد: ۱) شخص آنقدر ناکارآمد یا ناقص است که سربار دیگران می‌گردد ۲) درک احساس تنفر نسبت به خود. نشانگرهای این دو معیار می‌تواند عزت نفس پایین، احساس گناه یا شرمندگی و حالت آشفتگی روحی باشد.

احساس عدم تعلق نیز سازه‌ای چند وجهی است که نه تنها شامل احساس تنهایی می‌شود بلکه عدم دریافت حمایت از سوی جامعه را نیز در بر می‌گیردو سرانجام توانایی اکتسابی خودکشی یعنی تجربه‌های زندگی فرد به تدریج باعث کاهش ترس از مرگ و افزایش تحمل درد فیزیکی می گردد.

---

۵ Pestian

٦ Shapero

٧ interactional theory of suicide (ITS)

معمولا برای بررسی این که این سه سازه چگونه در یادداشتها نمود زبانی می یابند از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه ها[۸]" استفاده می شود.برنامه مذکور متن مکتوب را واژه به واژه تحلیل می‌کند و با در نظر گرفتن ۷۲ مقوله‌ی معنایی ای که برای آن تعریف شده، درصد کاربرد واژه‌ها را مشخص می‌کند. از این برنامه تاکنون برای تحلیل متون زیادی استفاده شده است. در این قسمت به برخی از این پژوهشها اشاره می کنیم.

هندلمن و لستر[۹](۲۰۰۷) با استفاده از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه ها " به بررسی محتوای یادداشتهای خودکشی افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند و افرادی که موفق به خودکشی شده‌اند پرداخته‌اند. نتایج تحلیل آنها نشان داد یادداشتهای مربوط به خودکشیهای موفق نسبت به خودکشیهای ناموفق ارجاع متافیزیکی کمتری داشتند، افعال زمان آینده بیشتری داشتند، همچنین ارجاع اجتماعی (به دیگران) و احساسات مثبت بیشتری داشتند.

ویلیامز[۱۰](۲۰۰۶) نظریه جوینر (۲۰۰۵) را درباره خودکشی مورد آزمون قرار داد. همان طور که ذکر شد، به نظر جوینر احساس تعلق (به دیگران) و احساس سربار بودن (برای زندگی دیگران) دو عامل مؤثر بر خودکشی هستند. این دو احساس را می‌توان از طریق نمود زبانی آنها مورد ارزیابی قرار داد. صورتهای اول شخص مفرد من / مال من و اول شخص جمع ما / مال ما می‌توانند نشانگر میزان تعلق باشند.

ویلیامز (۲۰۰۶) با تحلیل خاطرات و یادداشت خودکشی کورت کوبین موسیقی‌دان و همچنین تحلیل نامه‌های شخص دیگری که خودکشی کرده بود دریافت که مقولات زبانی مربوط به «مذهب، قطعیت، خوش بینی» هرچه مرگ نزدیک‌تر می‌شد، افزایش می‌یافت. (کاربرد این مقولات در گروه کنترل افزایشی نداشت) وی این نتایج را محصول این دانست که نزدیک شدن به مرگ تفکر بیشتر درباره جنبه‌های مذهبی یا روحانی خودکشیو همچنین احساس توانایی و قدرت انجام خودکشی را به همراه می‌آورد.

۱-Linguistic Inquiry and Word Count: برنامه نرم‌افزاری تحلیل محتوا است که برای تحلیل مقولات معنایی ای که از طریق واژه نمود می یابند به کار می رود.با این حال این برنامه،تاثیرات بافتی یا معانی چندگانه در بافت را در نظر نمی‌گیرد. دسته‌بندی واژه‌ها مبتنی بر مدل‌های احتمالاتی کاربرد زبان است و بنابراین در مورد واژه‌های بیشتر قابل اعتمادتر است.

۹ Hendelman & Lester

۳. □□□□□□□□

ویلیامز همچنین به دنبال یافتن الگوی زبانی نشانگر «احساس سربار بودن» یا «احساس عدم تعلق» در متون بود. وی دریافت که احساس عدم تعلق رابطه مثبت با نشانگرهای عواطف مثبت و رابطه منفی با نشانگرهای عواطف منفی داشت، درحالی که احساس سربار بودن با هر دو دسته عواطف رابطه مثبت داشت.

تحلیلهای ویلیامز همچنین نشان داد میزان ارجاع به خود، نشانگرهای علّی (چون، زیرا) و ارجاع به دیگران در یادداشتهای خودکشی می‌تواند خودکشی‌های موفق و اقدام به خودکشی را از یکدیگر متمایز سازد. وی بر امکانات و مزایای استفاده از تحلیلهای زبانی برای شناسایی کسانی که اقدام به خودکشی خواهند کرد، تأکید می‌کند.

در بررسی نقش میزانِ احساسِ تعلق، استیرمن و پن‌بیکر (۲۰۰۱ ، به نقل از ویلیامز ۲۰۰٦) با استفاده از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه ها" به مقایسه اشعار شاعرانی پرداختند کهبه علت خودکشی جان خود را از دست داده بودند و شاعرانی که به عنوان گروه کنترل مرتکب خودکشی نشده بودند. (این دسته تا حد امکان از نظر ملیت، سن، جنس، میزان تحصیلات و . . . با گروه خودکشی مطابقت داده شدند.) شاعران گروه خودکشی از صورت اول شخص مفرد بیشتر استفاده کرده بودند. این نشانگر تمرکز فزاینده‌ای بر خود بود. ضمایر جمع نیز در متون این افراد به کار رفته بود، اما شاعران مذکور این ضمایر را در آغاز و میانه زندگی کاری خود بیشتر به کار برده بودند، در حالی که در مرحله پایانی زندگی کاری آنها کاربرد این ضمایر ناگهان کاهش یافته بود. این کاهش کاربرد ضمایر جمع می‌توانست نشانگر کاهش همسانی و انسجام با شبکه‌های جمعی اجتماعی یا به بیانی دیگر نشانگر کاهش احساس تعلق (به جمع) باشد.

جوینر و همکاران (۲۰۰۲ به نقل از همان) نیز با بررسی شاخصهای احساس سربار بودن در یادداشتهای خودکشی دریافتند کسانی که موفق به خودکشی شده‌اند نسبت به کسانی که اقدام به خودکشی کرده بودند سطوح بالاتری از احساس سربار بودن داشتند.

علاوه بر آن، این نکته قابل ذکر است که احساس تعلق، در رویارویی با تراژدیها افزایش می‌یابد. پس از مرگ پرنسس دایانا زبان به کار رفته در اتاقهای گفتگوی اینترنت الگوی جالبی را نشان می‌داد. به مدت یک هفته کاربرد صورتهای اول شخص جمع تا ۳۵٪ افزایش یافت و کاربرد صورتهای اول شخص مفرد تا ۱۲٪ کاهش یافت. بعد از ۱۰ روز کاربرد ضمایر به

صورت متداول خود بازگشت. این تغییر در شیوه نگارش نشان می‌دهد چگونه مردم بعد از تراژدیهای ملی به سمت یکدیگر کشیده می‌شوند (جوینر ۲۰۰۵). نظریه جوینر بیان می‌دارد بعد از تراژدیهای ملی نرخ خودکشیها کاهش می‌یابد زیرا مردم به سمت یکدیگر کشیده می-شوند، بنابراین احساس تعلق بیشتری را تجربه می‌کنند. کسانی که با خودکشی می‌میرند باید سطوح احساسِ تعلق پایین‌تر و احساسِ سربار بودن بیشتری را در نوشته‌های خود نشان دهند. پیش‌بینی می‌شود هر چه افراد به خودکشی نزدیکتر می‌شوند شاخص احساس تعلق باید تغییر یابد؛ به ویژه کاربرد ضمیر اول شخص مفرد باید افزایش یابد و کاربرد ضمیر اول شخص جمع کاهش یابد.

فرناندز- کابانا[۱] و همکاران(۲۰۱۵) نیز با استفاده از برنامه جستجوی زبانی و شمارش واژه ها به تحلیل ۸۰ یادداشت خودکشی به زبان اسپانیایی پرداختند. تحلیل آن‌ها نتایج زیر را نشان داد:

در تحلیل‌های زبانی یادداشت‌ها، کاربرد بیشتر واژه‌های مربوط به مقوله «انسان» در یادداشت‌های زنان می‌توانست نشانگر این نکته باشد که زنان تمایل بیشتری به بیان مسائل روانی و اجتماعی دارند.

زبان به کار رفته در یادداشت‌های جوان‌ترها میزان بیشتری از واژه‌های مربوط به "احساسات مثبت و عواطف" داشت. کاربرد واژه‌های احساسی بیانگر غرقگی بیشتر در متن است و کاربرد زمان حال نزدیکی و گرمی را منتقل می‌کند. کاربرد بیشتر واژه‌های مربوط به مقوله «مکانیسم‌های شناختی» نشانگر تامل و تمرکز بیشتر بر معنای ژرف موضوع خودکشی است. در مقابل زبان به کار رفته در یادداشت‌های مسن‌ترها جزئی‌تر و دقیق‌تر بود، همراه با کاربرد بیشتر ادات دستوری، واژه‌های طولانی وتمرکز بیشتر بر موضوعات خاص (مثل پول و شغل). این متون نشانگرهای ارتباط اجتماعی و همبستگی کمتری نیز داشتند.

از نظر سازه های مرتبط با "نظریه بینافردی خودکشی" نیز متون مورد بررسی قرار گرفتند، یادداشت‌هایی که هر سه سازه را داشتند طولانی‌تر بودند. یادداشت‌هایی که سازه عدم تعلق را نشان می‌دادند از ضمیر دوم شخصمفرد و اول شخص جمع بیشتر استفاده می‌کردند. همچنین واژه‌های مربوط به مقوله "انسان و احساسات منفی" در آن‌ها بیشتر بود. بنابراین، این

۱ Fernandez-Cabana

یادداشت‌ها بیشتر به مشکلاتی که نویسنده با افرادی خاص یا با افرادی که برای وی مهم بودند، اشاره داشتند.

از سوی دیگر، یادداشت‌هایی که عامل «احساس سربار بودن» را در خود داشتند، میزان بیشتری از واژه‌های مربوط به مقولات «علیت»، «خوش بینی» و «موفقیت» داشتند. این یادداشت‌ها بیشتر بر توضیح دلایل خودکشی و مزایای آن برای بازماندگان تمرکز داشتند.

یادداشت‌های خودکشی همچنین با رویکردی کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا نشانه‌های عوامل بینافردی خودکشی شناسایی شوند. در همین راستا یادداشت‌های مربوط به اقدام به خودکشی و خودکشی‌های موفق بایکدیگر مقایسه شدند و مشخص شد «احساس سربار بودن» تنها با خودکشی‌های موفق و انتخاب مرگبارترین شیوه‌ها رابطه داشت (فرنانـدز- کابانا و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، گان[12] و همکاران (به نقل از همان) با تحلیل کیفی ٢٦١ یادداشت نشان دادند که عامل «احساس عدم تعلق» در ۳۰/۷ ٪ از یادداشت‌ها دیده می‌شد (که در جوانان نسبت به مسن‌ترها بسامد بیشتری داشت) و عامل «احساس سربار بودن» در ۱۰/۳ ٪ آن‌ها دیده می‌شد (که در زنان نسبت به مردان بیشتر بود). هر دوی عوامل تنها در ۱۱ یادداشت مورد تحلیل یعنی ٤/٢ ٪ موارد دیده شد.

علاوه بر این موارد، تحلیل دیگری از ٦٦٤ یادداشت خودکشی موفق یا اقدام به آن عامل احساس عدم تعلق را در ٤٢/٥ ٪ آن‌ها نشان داد. احساس سربار بودن در ۱۵/۵ درصد و هر دوی این عوامل در ۹/۵ ٪ یادداشت‌ها دیده شد. لازم به ذکر است بیشتر یادداشت‌های مورد تحلیل به زبان انگلیسی بودند.

پراکفیوا (۲۰۱۳)[13] در اثر خود با نام "کاربرد زبان در دو نوع متن خودکشی" با تاکید بیشتری بر مقولات زبانی به بررسی ساختار متن، ویژگی های دستوری و علائم نگارشی در متون خودکشی واقعی و پستهایی که در فضای مجازی خودکشی را اعلام می‌کنند می‌پردازد و نشان می دهد در یادداشت های واقعی عموماً دلیل روشن خودکشی و احساسات همراه آن در متن یادداشت ذکر شده است. این احساسات شامل ترس از زندگی، احساس آسودگی،

---

[12] Gunn et al.

[13] Prokofyeva

داشتن امید و عدم تردید است. او در تحلیل خود به پژوهش چاسکی و هادل[4](۲۰۱۲) اشاره می‌کند که معتقدند یادداشتهای خودکشی همزمان ویژگی های خاص دیگر انواع متون را دارند. این متون عبارتند از: متن عذرخواهی، متن عاشقانه، متن خشم آلود، متن گله و شکایت، متن تجاری و متن روایت یک رویداد تلخ. البته هر یادداشتی شامل همه ی این چارچوبهای متنی نمی‌شود و ممکن است همزمان ویژگیهای یک تا چهار نوع متن را داشته باشد و نه بیشتر. به بیان پراکفیوا هر چه متن یادداشت طولانی تر باشد، احتمال ظهور همزمان چند چارچوب متنی بیشتر است. در واقع هر کدام از این چارچوب ها بیانگر نوع احساساتی است که در یادداشت منعکس شده است.

پراکفیوا بیان می دارد در یادداشت های خودکشی واقعی به طورمستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخ به این پرسش است که چرا؟ گو این که هدف نویسنده‌ی یادداشت توضیح علت خودکشی و بیان واپسین احساسات قبل از خودکشی است. بیان خشم یا سرزنش بخشی از این احساسات است. همیشه کسی یا چیزی در رابطه با خودکشی مورد سرزنش قرار می گیرد. ابراز خشم نسبت به افرادی که باعث خودکشی قلمداد می گردند، نیز به چشم می خورد.

یکی از دیگر احساساتی که در یادداشت ها دیده می شود بیان عدم تردید نسبت به عملی کردن خودکشی است. به بیان وی این عدم تردید با استفاده از فعل زمان گذشته برای بیان افعال و احساسات نشان داده می شود. استفاده از فعل زمان گذشته آمیخته با زمان حال نشان می دهد این افراد طوری می نویسند گویا از هم اکنون دنیا را ترک کرده اند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه این افراد مدت زیادی به خودکشی فکر کرده اند و یادداشت را نوشته اند، یادداشتهای آنها معمولاً ساختار محکم و ثابتی دارند. در بررسی پراکفیوا (۲۰۱۳) در تمام یادداشت ها ساختار روشن و مشخصی شامل اجزاء زیر دیده می‌شد:

- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص)
- مقدمه (بیان دلیل خودکشی)
- اوج (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی)
- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین)

---

۱ Chaski & Huddle

تمام یادداشت های مورد بررسی وی این اجزا را داشتند. اضافه می گـردد در تحلیـل زمـان افعال، زمان حال اغلب به آینده اشاره داشت و زمان گذشته برای اشاره بـه زمـان حـال بـه کـار رفته بود. به بیان پراکفیوا استفاده از زمان گذشته به جای زمان حال به این صـورت توضـیح داده می شود که نویسنده مایل است نشان دهد از هم اکنون خود را مرده می‌پندارد. اسـتفاده از زمـان حال به جای آینده نیز ممکن است بیانگر این تاکید باشد کـه عمـل خودکشـی در حـال حاضـر انجام می گیرد و بر جدی بودن قصد خودکشی صحه می گذارد.

مروری بر پژوهشهای پیشین نشان می دهد در مجموع دو شیوه تحلیل کیفی یا تحلیل کمـی برای تحلیل یادداشتها به کار گرفته شده است. در واقع، یکـی از مباحـث مهمـی کـه در تحلیـل یادداشتهای خودکشی مطرح می شود این است که شیوه هـای کمـی مناسـبترند یـا شـیوه هـای کیفی.رویکرد کمی بر ارائه تعمیمها تمرکز دارد و رویکرد کیفی بـر تحلیـل ژرف مـوارد خـاص تاکید می‌کند. اشنایدمن معتقـد بـود مطالعـات کمـی و کیفـی بایـد در بررسـی یادداشـت هـای خودکشی به کار گرفته شوند، امـا تاکیـد داشـت ماهیـت اندیشـه نگارانـه ی روش کیفـی آن را مناسب ترین شیوه بررسی یادداشت های خودکشی می‌کند. تحلیـل هـای کیفـی یـا بـا در نظـر گرفتن بافت زندگی شخص به دنبال یافتن انگیزه های خودکشی هستند یا بر روابط بینا فـردی طرح شده در یادداشت ها تمرکز دارند.

مینگر (۱۹۳۸) نیز معتقد است برای درک پدیده خودکشی باید به جای پرداختن بـه تحلیـل های آماری و انگیزه های آگاهانه بر اهداف ناآگاهانه تمرکز کرد چرا که خودکشی عملـی بسـیار پیچیده، اتفاقی و تکانه ای است و بنابراین با اعداد و ارقام به راحتی قابل درک نیست.

این بخش را با ارائه نمونه ای از تحلیل کیفـی یـک یادداشـت خودکشـی کـه توسـط السـن[۱۵] انجام شده است به پایان می بـریم. السـن (۲۰۰٤: ١٦١-١٦٤) نمونـه زیـر را بـه عنـوان یـک نمونه کلاسیک یاداشت خودکشی در زبان انگلیسی ارائه می‌دهد:

Dearest Mary. This is to say goodbye. I have not told you because I did not want you to worry, but I have been feeling bad for two years with my heart. I knew that if I went to a doctor I would lose my job. I think this is best for all concerned. I am in the car in the garage. Call the police but please don't come out there. I love you very much, darling.

Goodbye.

Bill

---

۱۵ Olsson

این یادداشت مختصر، موجز و دارای موضوع[۱۶]است، با این حال به نظر مـی رسـد تـا حـدی نیز سیال و گریزان باشد. متن با عبارت This is to say goodbye شروع می شـود. This بـه یادداشت خودکشی و همچنین به عمل خودکشی اشـاره مـی کنـد. آغـاز نامـه بسـیار روشـن و شفاف است. نامه بیان می کند که چه مشکلی وجود دارد و همچنـین ایـن تمایـل فـرد را نشـان می دهد کـه نمـی خواهـد پـس از مـرگ، همسـرش وی را ببینـد. در بسـیاری از یادداشـتهای خودکشی این احساس منتقل می شود که بـین نویسـنده و مخاطـب نـوعی بـن بسـت ارتبـاطی وجود دارد و به نظر می رسد یادداشت خودکشی تنها راه غلبه بر این بن بسـت ارتبـاطی اسـت. در یادداشتهایی که در آنها عباراتی چون "نمی خواستم نگرانت کنم" به کار رفتـه اسـت، گـاهی روشن می شود که نویسنده –که در اینجا ادعا می کنـد بیمـاری قلبـی داشـته اسـت- در واقـع چیزی را از مخاطب مخفی کرده است، چیزی مثل بدهی، رابطه ای پنهـانی یـا جنـایتی سـر بـه مهر.

السن نمونه کلاسیک یک نامه خودکشی را دارای ویژگیهای زبانی زیـر مـی‌دانـد: مـتن نامـه مختصر، دقیق، دارای موضوع و تا حدی گنگ است. به نظر می‌رسد که مـتن نامـه و خودکشـی یکی هستند. نامه خودکشی در حکم عمل خودکشی است. وی مشخصات دیگری را نیـز بـرای نامه‌های خودکشی در نظر می گیرد: یک نامه خودکشی باید شامل یـک قضـیه قطعـی و مسـلم باشد، حتی اگر این قضیه عجیب یا نامعمول باشد. قضیه مطرح شده معمولاً به عمـل خودکشـی و یا به یادداشت خودکشی مربوط می‌شود. هر جـا بـه ضـرورت خودکشـی اشـاره شـود، نامـه خودکشی باید بیانگر این دیدگاه نویسنده باشد که خودکشی بهترین راه‌حـل نیسـت بلکـه تنهـا راه‌حل است. قضیه باید به سادگی بیان شده باشد، مبتداسازی شده باشد (اولین بند جمله یا بنـد مرکب باشد)، مستقیم باشد، خطاب به مخاطب باشد و بـه رابطـه مخاطـب و نویسـنده مربـوط شود.

نامه‌های خودکشی واقعـی معمـولاً کوتاهنـد[۱۷]غالبـاً کمتـر از ۳۰۰ واژه‌انـد. مطالـب اضـافی اغلب کم‌اند یا اصلاً وجود ندارند. بافت موقعیتی نامه‌های خودکشـی همیشـه روشـن نیسـت و اغلب خواننده باید آن را استنتاج کند، بافت موقعیتی به ندرت مستقیماً بیـان شـده اسـت؛ حتـی

۱۶ thematic

۱۷- به عنوان مثال یادداشت خودکشی صادق هدایت تنها از یازده واژه تشکیل شده است: *"دیـدار بـه قیامـت، مـا رفتـیم و دل شما را شکستیم. همین"*.

وقتی بافت موقعیتی مستقیماً بیان شده است خواننده نمی‌تواند ضرورتاً آن را به همـان صـورتی که هست بپذیرد.

ارائه اطلاعات اضافی در نامه‌های خودکشی نشـانه سـاختگی بـودن آن اسـت. در نامـه‌های واقعی باید بین خطوط را خواند، چرا که در بیشتر آنها بخش انـدکی از موضـوع روشـن اسـت. اگر نامه خودکشی همه واقعیتهای لازم درباره بافت وقوع خودکشی را ارائه کند ساختگی اسـت (همان).

علاوه بر اینها، در تحلیل یادداشتهای خودکشی توجه به عناصر زبانی در سطوح مختلف نیـز لازم است. در قسمت بعد به این نکته بیشتر می پردازیم.

۳- روش شناسی

با توجه به این که هدف از ارائه این مقاله طرح اهمیت تحلیل یادداشـت هـای خودکشـی از دیدگاه زبان شناسی است، در این قسمت به دلیل محدودیتهایی که در زمـان تـدوین ایـن مقالـه در دسترسی به یادداشتهای خودکشی وجود داشت تنها به مطالعـه مـوردی دو نمونـه یادداشـت می پردازیم.(خوشبختانه امکان دسترسی به نمونه های بیشتر فـراهم شـده اسـت و در پـژوهش های بعدی تحلیل جامع تری از این یادداشت ها ارائه خواهد شد.) بـا در نظـر گـرفتن ایـن کـه تنها دو نمونه یادداشت مـورد بررسـی قـرار مـی گیـرد، طبعـا تنهـا امکـان ارائـه تحلیـل کیفـی وجوددارد.

همان طور که پیشتر ذکر شد، به طور کلی تحلیـل کیفـی دو هـدف عمـده دارد:۱- جسـتجو برای یافتن انگیزه نوشتن یادداشت ها و ۲- تحلیل یادداشت ها به عنوان ابزار ایجـاد ارتبـاط. در پژوهش های کیفی استفاده از شیوه "تحلیل موضوع یا محتوا" شیوه غالب است. ایـن شـیوه بـه نظریه خاصی وابسته نیست و به عنوان ابـزاری در رویکردهـای مختلـف مثـل تحلیـل مکالمـه، تحلیل گفتمان یا تحلیل های پدیدارشناسی به کار گرفته می شود و با دنبال کـردن الگـو هـا یـا موضوعاتی که در داده ها دیده می شود انجام می گیرد. این بخش از تحلیل بـا توصـیف سـطح اول معنایی داده ها (معانی صریح و روساختی) آغاز مـی شـود و بـا تفسـیر داده هـا (از طریـق یافتن مفاهیم زیرین و مقایسه با ادبیات موجود) ادامـه مـی‌یابـد. در ایـن نـوع تحلیـل محقـق از کدهای از پیش موجود استفاده نمی کند و به شیوه ای استقرایی به پیش می‌رود. با ایـن حـال در تحلیل محتوا گاه نیز محققان به بررسی مقولات از پیش موجود می پردازند.

هدف از تحلیل دو یادداشت فارسی در این بخش، یافتن انگیزه نویسندگان و مبنای تحلیل دو یادداشت شیوه تحلیل پراکفیوا (۲۰۱۳) است که با استفاده از شیوه های تحلیل گفتمان و تحلیل مقایسه ای و بر اساس نظریه داده-بنیاد[۱۸] به استخراج ویژگی‌های یادداشتهای خودکشی پرداخته است و مقولاتی را استخراج کرده است. از آنجا که بررسی این مقولات در یادداشت های خودکشی کوتاه نیز امکان پذیر است، از روش تحلیل وی برای بررسی یادداشتها استفاده می کنیم.

یادآوری می شود پراکفیوا در تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که در یادداشت های خودکشی واقعی به طورمستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخ به این پرسش است که چرا؟ گو این که هدف نویسنده‌ی یادداشت توضیح علت خودکشی و بیان واپسین احساسات قبل از خودکشی است. از سوی دیگر، در بررسی پراکفیوا (۲۰۱۳) در تمام یادداشت ها ساختار روشن و مشخصی که شامل اجزاء زیر بود، دیده می‌شد:

- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص)
- مقدمه (بیان دلیل خودکشی)
- اوج/ بدنه (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی)
- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین)

بنابراین در تحلیل دو یادداشت در جستجوی آن خواهیم بود که دریابیم آیا نویسنده علت خودکشی را مشخص کرده است یا خیر، اگر واپسین احساساتش را بیان کرده است چه احساساتی را شامل می شود و بخشهای چهارگانه یک یادداشت در آن دیده می‌شود یا خیر. بعلاوه، به ساختارجملات و زمان افعال نیز توجه خواهیم داشت.

لازم به توضیح است که در پرونده های خودکشی ای که در اختیار نگارنده قرار گرفت، تنها در سه پرونده یادداشت خودکشی دیده می‌شد که نویسنده هر سه متن نیز زن بودند. بنا به نظر بازپرس ویژه پرونده، زنان بیشتر از مردان هنگام خودکشی یادداشتی از خود برجای می گذاشتند. این پرونده ها پس از کسب مجوزهای لازم توسط بازپرس ویژه قتل در یکی از مجتمع های قضایی کشور در اختیار نگارنده قرار گرفت. جهت حفظ حریم شخصی افراد،

---

۱۸ Grounded theory

برخی از جزئیات پرونده حذف شده اند یا با تغییراتی گزارش شده‌اند. بعلاوه، با توجه به اینکه یادداشت سوم دارای جزئیات خاصی بود که امکان اشاره به آنها در این پژوهش وجود ندارد از تحلیل کنار گذاشته شد.

٤- تحلیل موردی چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی

در این قسمت به ارائه و تحلیل چند نمونه متن خودکشی کوتاه در زبان فارسی می پردازیم تا ببینیم در متون کوتاه چه مولفه هایی به کار رفته اند.

یادداشت اول:

یادداشت اول مربوط به پرونده مرگ زن جوانی است که با سقوط از طبقه سوم یک ساختمان خودکشی کرده بود. عبارت زیر روی یک پاره کاغذ نوشته شده بود:

از دست مادرشوهر و پدرشوهر

همسر این زن به دلیل قاچاق مواد مخدر زندانی بود و این زن به همراه فرزندانش در طبقه پایین منزل مسکونی پدرشوهرش زندگی می کرد. علت مرگ در این پرونده بی‌هیچ ابهامی خودکشی دانسته شد.

این یادداشت تنها از پنج واژه تشکیل شده است، اما با همین ۵ واژه دقیقا علت خودکشی و احساس خشم نسبت به کسانی که به گمان زن علت خودکشی وی بوده اند بیان شده است. این عبارت فاقد فعل است و زمان ندارد. ترکیب "از دستِ" در ابتدای عبارت نشانگر خشم فرد نسبت به مادرشوهر و پدرشوهر و مقصر دانستن آنهاست. یک جستجوی ساده از همنشینی فعلهایی که با عبارت "از دستِ" در زبان فارسی به کار می روند نشان می دهد این صورت بیانگر خشم و درماندگی است. به عنوان مثال ترکیبهایی همچون: از دست مادر شوهر کلافه شده ام/ذله شده ام/ به ستوه آمده ام و یا دلخور شدن، ناراحت شدن، دلگیر شدن، خون دل خوردن، خفه شدن ازدست کسی و ... بیانگر ترکیباتی هستند که با عبارت مذکور همراه می‌شوند. بنابراین حتی اگر در این عبارت فعل هم ظاهر نشده باشد باز هم معانی مذکور منتقل می شوند.

همانطور که پراکفیوا ۲۰۱۳ اشاره کرده بود این یادداشت خودکشی نیز در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا خودکشی؟ همچنین در این یادداشت نویسنده واپسین احساسات خود را بیان می کند اما بسیار کوتاه و مختصر.

از آنجا که این یادداشت تنها از پنج واژه تشکیل شده است به راحتی نمی توان ساختار چهارگانه یک یادداشت را در آن مشخص کرد . مخاطب این یادداشت هر کسی می تواند باشد، بخش اصلی این یادداشت تنها ذکر دلیل خودکشی است. هیچ عبارت پایانی‌ای در یادداشت به کار نرفته است، بعلاوه به عمل خودکشی نیز اشاره نشده است.

یادداشت دوم:

این پرونده به خودکشی زنی میانسال مربوط می شود که بر اثر انفجار گاز در اتاقی در طبقه دوم منزل خود فوت کرده بود. در محل حادثه یادداشت زیر که با ماژیک روی سطح صافی در طبقه پایین نوشته شده بود پیدا شد:

چون بدنم حس ندارد حیچ کاری بکنم خودم را
کشتم از هیچ کس شکایتی ندارم مرا حلال کنید

در این پرونده در مورد علت مرگ ابهاماتی وجود داشت. گزارش کارشناسان آتش نشانی حاکی از آن بود که حریق عمدی بوده است:

از آنجا که طبق صورت جلسه کشف جسد در زمان وقوع حادثه داخل اتاق محل انفجار فاقد لوله‌کشی گازی بوده و وسیله گازسوز دیگری که باعث نشت گاز به داخل اتاق گردد نیز در محل وجود نداشته است لذا بنظر هیأت کارشناسان منتخب پرونده اگر ایجاد جرقه را بصورت غیرعمدی فرض کنیم، مسلماً وارد شدن و یا انتشار گاز یا بخارات مواد اشتعالزای دیگر به داخل اتاق فوق بصورت عمدی بوده و توسط فرد یا افراد حاضر در منزل انجام شده که باعث انفجار و سوختگی متوفی گردیده است.

بنابراین، در این پرونده سؤال این بود که متوفی بـه قتـل رسـیده اسـت یـا خودکشـی کـرده است؟ از یک سو، چون متوفی قبلا سابقه اقـدام بـه خودکشـی داشـت و پرونـده وی در مرکـز درمانی مربوطه وجود داشت و همچنـین بـا توجـه بـه گـزارش اداره تشـخیص هویـت دربـاره دستخط متوفی، فرضیه خودکشی موردتأئید قرار می گرفت. از سوی دیگر با توجه بـه شـرایطی که حریق رخ داده بود فرضیه قتل مورد تأئید قرار می گرفت.

لازم به ذکر است که در مورد یادداشت خودکشی متوفی تنها تحلیلی که صورت گرفته بـود، مقایسه دست خط این نوشته با دیگر نوشته‌های منسوب بـه وی بـود. اداره تشـخیص هویـت و آزمایشگاه در این مورد این گونه اظهار نظر کرده بود:

خطوط مندرج در یک برگ تصویر مورد ادعا منتسـب بـه خـانم [نـام نـام خـانوادگی] بـا مندرجات دو جلد ... دفتر ... مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت کـه نتیجـه بشـرح ذیـل اعـلام می‌گردد:

با بررسیهای بعمل آمده خطوط مندرج در یک برگ تصویر دستنوشته مورد ادعـا در مقایسـه با خطوط مندرج در دو جلد دفتر ... مذکور دارای تشابهات زیادی می‌باشد و از ناحیـه شـخص واحدی تحریر گردیده است.

فرزندان متوفی فرض خودکشی را پذیرفتند و تقاضای ختم رسیدگی بـه پرونـده را کردنـد. در متن برگ رضایت‌نامه، برخی از فرزندان از واژه قتل استفاده کرده بودند کـه بعـداً روی آن را خط زدند یا واژه خودکشی را به متن اضافه کرده بودند، به صورت زیر:[۱۹]

۱- به خاطر قتل یا خودکشی مادرم از کسی شـکایت نـدارم و تقاضـای خـتم پرونـده را از مراجع قضایی دارم. اظهارات خود را گواهی می‌نمایم.

۲- در خصوص ~~قتل~~ فوت مادرمان از هیچ شخصی شاکی نیستم ورضایت کامل دارم

۳- در خصوص ~~قتل~~ خودکشی مادرمان از کسی شکایت نداریم و تقاضـای خـتم پرونـده را از مراجع قضایی را دارم اظهارات خود را گواهی می‌نمایم

۱۹- ویژگیهای نگارشی متون بدون تغییر در اینجا آمده اند.

٤- به خاطر قتل یا خودکشی مادرمان از کسی شکایتی نداریم و تقاضای خطم پرونده را خواستاریم و از کسی شکایتی نداریم والسلام

استفاده از واژه قتل و سپس تغییر آن به خودکشی نشان می دهد که از دید این افراد در مورد این حادثه ابهامانی وجود داشته است.

با این مقدمه، تحلیل این یادداشت را با دو فرض به پیش می بریم. فرض اول این که این یادداشت واقعی است. در این صورت به این موضوع می پردازیم که به عنوان یک یادداشت واقعی شامل چه ویژگیهایی می شود و با مقولات طرح شده در پراکفیوا ۲۰۱۳ چگونه مطابقت می‌یابد. فرض دوم این است که این یادداشت غیر واقعی است؛ دراین صورت به این می پردازیم که چه سوالاتی در رابطه با آن قابل طرح خواهد بود.

تحلیل را با فرض اول شروع می کنیم. این متن شامل ۱۸ واژه و سه جمله می‌باشد: یک جمله مرکب و دو جمله ساده. زمان بند پایه در جمله مرکب گذشته و زمان بند پیرو حال است. زمان دو جمله ساده دیگر نیز حال است. آمیختگی زمان حال و گذشته در یک جمله مرکب جالب توجه است. طبق تحلیل پراکفیوا استفاده از فعل زمان گذشته برای اشاره به عمل خودکشی بیانگر تصمیم قطعی نویسنده بر عملی کردن قصد خود است و استفاده از زمان حال نشان می دهد خودکشی در حال انجام است.

از نظر بخش های چهارگانه حاضر در یک یادداشت خودکشی و بیان واپسین احساسات این نکات قابل ذکر است:

یادداشت مخاطب خاصی ندارد، بنابراین بخش اول که اشاره به مخاطبی خاص است، در آن دیده نمی شود. دلیل اقدام به خودکشی در یادداشت به صراحت بیان شده است. جالب توجه است که یادداشت با واژه "چون" شروع می شود، گو این که دقیقاً پاسخی است به این سوال که چرا خودکشی؟ "چون بدنم حس ندارد حیچ کاری بکنم". بعلاوه، جمله پیرو مقدم بر جمله پایه بیان شده است و به نظر می رسد ذکر دلیل خودکشی مقدم بر عمل خودکشی است. بنابراین بخش مقدمه (بیان دلیل خودکشی) به وضوح و صراحت بیان شده است. بخش بدنه/ نقطه اوج یک یادداشت که اشاره به عمل خودکشی است با عبارت "خودم راکشتم" بیان شده است. تنها در نقطه اوج یادداشت است که فعل در زمان گذشته به کار می رود. بخش

نتیجه نیز با دو جمله ساده در زمان حال بیان شده است: "از هیچکس شکایتی ندارم مرا حلال کنید". عبارت "از هیچ کس شکایتی ندارم" به نوعی مسئولیت خودکشی را متوجه خود فرد می کند. ظاهراً با گفتن این جمله کسی به عنوان عامل خودکشی مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد. استفاده از جمله "مرا حلال کنید" که پایان بخش این یادداشت است، باری مذهبی نیز دارد؛ نوعی طلب بخشش گناهان قبل از رفتن به دنیای دیگر. جالب توجه است که در این یادداشت بر خلاف یادداشت اول هیچ احساس خشمی به چشم نمی‌خورد. در واقع بیشتر نوعی احساس آسودگی و ارامش منتقل می گردد.

تا این قسمت تحلیل را با این فرض پیش بردیم که یادداشت مذکور واقعی است و به دنبال پیدا کردن انگیزه ها و احساسات نهفته در آن و بررسی اجزاء تشکیل دهنده آن بودیم. اما با توجه به اینکه فرض خودکشی در مورد پرونده دوم با تردیدهایی همراه بود، در ادامه این بخش، تحلیل یادداشت را با این فرض پیش می بریم که غیر واقعی است. در این صورت به این می پردازیم که یک تحلیلگر به چه نکاتی باید توجه کند تا غیر واقعی بودن آن را مورد بررسی قرار دهد.

همانطور که پیشتر اشاره گردید، متن یادداشت تنها از نظر دست خط مورد تحلیل قرار گرفته بود. با توجه به این که طبق درخواست فرزندان متوفی پرونده بسته شده بود و سایر متون منسوب به متوفی در پرونده موجود نبود، امکان تحلیل مقایسه ای وجود نداشت. با این حال چنانچه امکان مقایسه این متن با دو دسته متن دیگر (یعنی متون منسوب به متوفی و متونی که از افراد مظنون گرفته می شد) وجود داشت، نشانگرهای زیر می‌توانستند راهنما باشند:

۱- وجود غلط املایی: واژه هیچ در این متن یک بار به صورت "حیچ" و یک بار به صورت "هیچ" به کار رفته بود.

۲- فعل "بکنم" با پیشوند ب- به کار رفته است. گونه دیگر کاربرد این فعل بدون پیشوند ب- است. می توان چگونگی کاربرد این فعل را در سایر متون منسوب به متوفی یا متون نوشته شده توسط افراد مظنون بررسی کرد.

۳- سطح تحصیلات متوفی در پرونده دقیقاً مشخص نشده بود، اما بنا به اظهارات بازپرس پرونده متوفی تحصیلات قدیمی داشته است. در مورد کاربرد عبارت "مرا حلال کنید" این

سؤالات را می‌توان طرح کرد: شخصی با این میزان تحصیلات برای بیان مفهوم مـذکور از کـدام یک از صورتهای زیر استفاده می‌کند؟

مرا حلال کنید

من را حلال کنید

منو حلال کنید

حلالم کنید

حلال کنید

مـی تـوان چگـونگی کـاربرد "ضـمیر مفعـولی + را" را در سـایر نوشـته هـای متـوفی و مظنونین[11] پرونده مورد مقایسه قرار داد. از سوی دیگر می توان به طور کلی بررسـی کـرد کـه در جمعیت نویسندگان فارسی زبان این گونه ها چگونه به کار می روند.

٤- بین غلط املایی موجود در جمله اول یادداشت (حـیچ) و عبـارت "مـرا حـلال کنیـد" نوعی عدم همخوانی دیده می شود. آیا شخصی که مرتکب غلط املایی مـذکور مـی شـود مـی تواند از عبارتی که در گونه زبانی افراد تحصیلکرده به کـار مـی رود اسـتفاده کنـد؟ بـه عبـارت دیگر، آیا شخصی که مرتکب چنین غلط املایی‌ای می شود میزان تحصیلاتش در حدی هسـت که از صورت "مرا" استفاده کند؟ ممکن است برای پاسخ بـه ایـن سـوال نیـاز بـه مراجعـه بـه پیکره های زبانی یا نمونه گیری زبانی داشته باشیم.

٥- چگونگی کاربرد یای نکره در عبارت " از هیچ کس شکایتی ندارم" قابـل توجـه اسـت. این عبارت می توانست به صورتهای دیگری مثل " از هیچ کسی شکایتی ندارم" یـا " از هـیچ کسی شکایت ندارم" به کار رود. در این مورد نیز کاربرد صورت «هیچ کس» در مقابـل صـورت «هیچ کسی» قابل تأمل است. در گونه زبانی افرادی با تحصیلات کمتر کدام صـورت پربسـامدتر است؟

٦- تنها فعلی که در این متن با زمان گذشته بیان شـده اسـت فعـل «کشـتن» اسـت. در ایـن مورد چنانچه پیکره ای از یادداشتهای خودکشی فارسـی زبانـان موجـود بـود، امکـان بررسـی و مقایسه وجود داشت که در یادداشتهای خودکشی در زبان فارسی اشاره به فعل کشتن (که قـرار

۱۱- این پرونده در ابتدای رسیدگی دو مظنون داشت.

است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد) بیشتر با چه زمانی صورت می گیرد و آیا بیان آن به صورت گذشته ساده اهمیت خاصی دارد؟

در پرونده مذکور به هیچ یک از این سؤالات پرداخته نشده بود و بنا به درخواست فرزندان متوفی پرونده بسته شده بود. اما برای حل پرونده هایی مبهم شبیه این پرونده که تشخیص واقعی بودن یا جعلی بودن یادداشت اهمیتی حیاتی دارد، تحلیلهای زبانی قطعا ضرورت دارند. چنانچه در مراحل رسیدگی به این پرونده، این یادداشت و متون مرتبط به این پرونده توسط یک زبانشناس تحلیل می گردیدند، قطعاً برخی از نکات مبهم پرونده روشن‌تر می شدند.

یادداشت سوم:[۲۱]

نان از تو فریزر برداری خواهر جان
از دست .... خودکشی کردم

متن از دو جمله تشکیل شده است و دارای دوازده واژه است. مخاطب نامه مشخص است، در این یادداشت کوتاه نیز علت خودکشی بیان شده است. به عمل خودکشی با فعل زمان گذشته اشاره شده است. همان طور که درمورد یادداشت اول هم ذکر شد عبارت "از دست ... " بیانگر احساس خشم گوینده نسبت به شخصی است که به اعتقاد نویسنده ی یادداشت باعث خودکشی وی شده است. در این یادداشت نیز همچون یادداشت دوم به عمل خودکشی مستقیما اشاره شده است و کاربرد فعل زمان گذشته بر قصد حتمی نویسنده تاکید دارد. این یادداشت علاوه بر ذکر دلیل خودکشی، حاوی دستورالعمل برای مخاطب نیز می باشد. در مجموع در این متن دوازده واژه ای از بین مولفه های چهارگانه پروکفیوا سه مولفه در متن حاضر است.

یادداشت چهارم:

۲۱ با توجه به عدم دسترسی به جزئیات پرونده ی یادداشتهای سوم و چهارم، تنها متن یادداشتها وتحلیل آنها ارائه می گردد.

بابا ازت متنفرم
من مر[د؟]م راحت شین
... از[ت] متنفرم ...
منو مجبور به ازدواج
کردن همه راحت زندگی

این یادداشت از پنج جمله (جمله آخرفاقد فعل است) و هفده واژه تشکیل شده است. مخاطبان یادداشت مشخص اند، واپسین احساسات نویسنده که تنفر است به صراحت بیان شده است. همراه با احساس تنفر بیان عبارت "...راحت شین" احساس خشم را نیز منتقل کرده است. فعل بعد از ضمیر من در متن یادداشت به شکل "مرم" نوشته شده است. مشخص نیست نویسنده قصد نوشتن "مُردم" را داشته است یا "میرم"؛ در هر دو صورت به عمل خودکشی اشاره شده است اما در مورد زمان فعل نمی توان اظهار نظر کرد. علت خودکشی در این یادداشت نیز بیان شده است. ملاحظه می گردد این متن کوتاه نیز سه مولفه از مولفه های چهارگانه مورد بررسی را در خود دارد.

٤. بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر پس از معرفی انواع تحلیل‌های زبانی صورت گرفته روی یادداشت‌های خودکشی به صورت کمی و کیفی به بررسی موردی چهار نمونه یادداشت کوتاه خودکشی در زبان فارسی پرداخت. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت دسترسی به یادداشت‌های خودکشی تنها چهار نمونه یادداشت کوتاه در این مقاله به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

یادداشت اول تنها از پنج واژه تشکیل شده بود، اما با همان ۵ واژه دقیقا علت خودکشی و احساس خشم نسبت به کسانی که به گمان نویسنده علت خودکشی وی بودند بیان شده بود. یادداشت مذکور فاقد فعل و زمان بود و ترکیب "از دستِ" در ابتدای عبارت نشانگر خشم فرد نسبت به مادرشوهر و پدرشوهر و مقصر دانستن آنها بود.

یادداشت دوم را با دو فرض تحلیل کردیم. فرض اول این بود که یادداشت واقعی است و توسط متوفی نوشته شده است. همانطور که ذکر شد متن شامل ۱۸ واژه و سه جمله بود: یک

جمله مرکب و دو جمله ساده. زمان بند پایه در جمله مرکب گذشته و زمـان بنـد پیـرو حـال و زمان دو جمله ساده دیگر نیز حال بود. طبق تحلیل پراکفیوا استفاده از فعل زمـان گذشـته بـرای اشاره به عمل خودکشی بیانگر تصمیم قطعـی نویسـنده بـر عملـی کـردن قصـد خـود اسـت و استفاده از زمان حال نشان می دهد خودکشی در حال انجـام اسـت. دلیـل خودکشـی بـا حـرف ربط "چون" به صراحت بیان شده بود. از نظر بخش های چهارگانـه حاضـر در یـک یادداشـت نیز دیدیم به جز بخش مقدمه (نداشـتن مخـاطبی خـاص)، سـایر اجـزاء یـک یادداشـت در ان حاضر بود. تنها فعل زمان گذشته در یادداشت در بخش اوج/ بدنه یادداشـت بـود کـه بـه عمـل "کشتن خود" اشاره می کرد. در این یادداشت بر خلاف یادداشت اول که بیانگر حـس خشـم و سرزنش بود، هیچ احساس خشمی بـه چشـم نمـی‌خـورد و در واقـع بیشـتر نـوعی احسـاس آسودگی و ارامش منتقل می گردد.

تحلیل این یادداشت را با فرض دومی ادامه دادیم که اگر این یادداشت توسط متـوفی نوشـته نشده باشد، با طرح چه سوالاتی می‌توان به رفع ابهام از این پرونده کمک کـرد و ابعـاد تاریـک آن را به کمک تحلیل‌های زبانشناسی روشن تر نمود. در هرحال، قضاوت در مورد این کـه ایـن یادداشت واقعی است یا ساختگی به خوانندگان واگذار می شود.

یادداشت کوتـاه سـوم نیـز کـه تنهـا دوازده واژه داشـت دارای سـه مولفـه از چهـار مولفـه پروکفیوا بود: مخاطب، بیان علت خودکشی و اشاره بـه عمـل خودکشـی کـه همـان نقطـه اوج یادداشت است. در اخرین یادداشت مورد بررسی نیز که هفده واژه داشت مولفه هـای مخاطـب، بیان علت خودکشی و بدنه/ اوج خودکشی دیده می شود. درمجموع هر چهـار یادداشـت مـورد تحلیل وجه اشتراکشان ذکر دلیل خودکشی است. گو این که هدف اصلی نویسـندگان از نوشـتن یادداشت بیان علت خودکشی است و همان گونه که دیدیم در متون کوتـاهی کـه بـین پـنج تـا هفده واژه طول داشتند علت خودکشی با همین واژه های اندک بیان شده بود.

در پایان، با توجه به اهمیت تحلیل زبانشـناختی ایـن گونـه یادداشـت‌ها (بـرای مـداخلات روانشناختی، اجتماعی و ...) چنانچه بتوان پیکره‌ای از متون خودکشی در جامعه ایران تهیـه کـرد و آن‌ها را از نظر ویژگی‌های زبانی مورد تحلیل قرار داد، می‌توان مرجع بسـیار سـودمندی بـرای پژوهش‌های میان رشـته‌ای در حوزه‌هـای حقـوقی، قضـایی، روانشناسـی، جامعـه شناسـی و ... فراهم آورد.

کتابنامه

۱- مرادی سعداله و خادمی علی. ۱۳۸۱"بررسی وضعیت خودکشـی هـای منجـر بـه مـرگ در ایران و مقایسه آن با نرخهای جهانی". مجله علمی پزشکی قانونی ۱; ۸(۲۷):۱٦-۲۱.

۲- Chaski, C.E. & Huddle, D. 2012: "Is This a Real Suicide Note? Authentication Using Statistical Classifiers and Computational Linguistics." *Proceedings of the American Academy of Forensic Sciences.* Volume XVII: 439.

۳- Fernández-Cabana، M.; Julio Jiménez-Féliz; María Teresa Alves-Pérez; RaimundoMateos; Ignacio Gómez-ReinoRodríguezand Alejandro García-Caballero (2015) Linguistic analysis of suicide notes in Spain. Europian Journal of Psychiatry. vol.29 no.2

٤- Hendelman L. D , D. Lester. 2007. "The content of suicide notes from attempters and completers".Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention, Vol 28(2), 2007, 102-1۰٤.

٥- Joiner, T. E., et al. 2002: Perceived burdensomeness and suicidality: Two studies on the suicide notes of those attempting and those completing suicide. *Journal of Social and Clinical Psychology* 21: 531-545.

٦- Joiner, T. (2005). Why people die by suicide. Cambridge, MA: Harvard University Press.

۷- Lester, D. (2008) COMPUTER ANALYSIS OF THE CONTENT OF SUICIDE NOTES FROM MEN AND WOMEN. Psychological Reports: Volume 102pp. 575-576

۸- Menninger KA. Man Against Himself. New York: Harcourt, Brace and Company; 1938. [Google Scholar]

۹- Olsson, John (2004) *Forensic linguistics, an introduction to language, crime and law* .London, New York: Continuum.

۱۰- Osgood, C. E., & Walker, E. G. (1959). Motivation and language behavior: A content analysis of suicide notes. *Journal of Abnormal and Social Psychology,* ٥۹, ٥۸–٦۷.

۱۱- Pestian, J., P, Matykiewicz P., Grupp-Phelan, J. 20۰۸: □□□□□ □□□□□□□ language pro- cessing to classify suicide notes. *Proceedings of the Workshop on Cur- rent Trends in Biomedical Natural Language Processing*. BioNLP: ۰۸:۹٦–۹۷,

۱۲- Pestian,P.Pawel Matykiewicz, Michelle Linn-Gust, Brett South, OzlemUzuner, Jan Wiebe, K. BretonnelCohen,John Hurdle, and Christopher Brew. (2012). Sentiment Analysis of Suicide Notes: A Shared Task. Biomed Inform Insights. 2012; 5(Suppl 1): 3–1٦.

۱۳- Prokofyeva, T. 2013. Language Use in Two Types of Suicide Texts. Linköping University.

۱٤- URL http://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:liu:diva-1۰۲۰۹۹

۱۵- Shapero, J. The language of Suicide notes. (2011). University of Birmingham. Web address: http://etheses.bham.ac.uk/1525/1/Shapero11PhD.pdf

۱٦- Shneidman, E. S., & Farberow, N. L. (1957). *Clues to suicide.* New York: McGraw-Hill.

۱۷- Willimas, S. (2006). New Approaches to Preventing Suicide: A Manual for Practitioners. Journal of psychiatric and mental health nursing. Vol 13, issue 6.

Linguistic analysis of suicide notes, two case studies

Azam Estaji[1]
Associate Professor Department of Linguistics Ferdowsi University Of Mashhad

Received: 11/09/2020 Accepted:07/05/2021

A suicide note is any kind of text that is left behind before a person commits suicide or intends to commit suicide. These texts have been analyzed by linguists and psychologists among others to get a better understanding of the suicide act. The present paper first reviews how these notes have been analyzed. In the second part of the paper, four Farsi suicide notes are presented and based on Prokofyeva (2013) are analyzed. According to her, a clear statement of reasoning should be present in genuine suicide notes either with a direct statement or an implied one. The 'clear statement' of why the suicide takes place is an integral part of almost every genuine suicide note Prokofyeva (2013) examined, as it is an aim of its author to explain why such a decision has been made. As for the structure of suicide notes, each note consists of the following components: a- Form of address (more often someone specific) b - Introduction) c- Culmination/body (d - Conclusion/closing words (farewell; signature; post-scriptum;). The analysis of Farsi notes which vary between 5 to18 words, shows that all of them state clearly the reason for committing suicide and express their last feelings (the first note expresses anger and puts the blame on someone, the second note expresses relief and forgiveness while the last one expresses hatred.) Considering the four components of a note, the first note which is very short, only has the introduction component. Other notes which are longer, have three components: introduction, body, conclusion or form of address. The 'clear statement' of why the suicide takes place is common to all the short notes analyzed. This paper emphasizes on the need to build a corpus of Farsi suicide notes for future studies in this interdisciplinary area.

Keywords: suicide notes, linguistic content, qualitative analysis, clear reasoning

[1] estajiz@yahoo.com